

چشم‌انداز جغرافیایی* (مفاهیم، تعاریف و تقسیمات)

دکتر نصرالله مولائی هاشجین

دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

E-mail: nmolaeih@iaurasht.ac.ir



چکیده

فضای خاص حاصل از کنش متقابل نیروهای گوناگون و متنوع طبیعی و انسانی در یک بافت مکانی معین، چشم‌انداز جغرافیایی نامیده می‌شود. مشاهده چشم‌اندازها می‌تواند نگرش جغرافیایی را در راستای شناخت روابط بنیادین انسان و محیط و تحلیل چگونگی بافت فرهنگی بر ساختار طبیعی ارائه دهد. اما استفاده از چنین دیدگاهی در تبیین و تحلیل فضاهای جغرافیایی و در راستای بهینه‌سازی فضاها و توسعه پایدار جوامع، نیازمند شناخت مفاهیم، پیشینه تاریخی و بیان نگرش‌ها و تعاریف می‌باشد. لذا در این مقاله با بهره‌گیری از منابع و اطلاعات، مفاهیم و تعاریف چشم‌انداز جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفته و ضمن اشاره به پیشینه تاریخی و تقسیمات جغرافیایی به نتیجه‌گیری از مباحث نظری پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: چشم‌انداز، جغرافیا، چشم‌انداز فرهنگی، چشم‌انداز طبیعی، چشم‌انداز جغرافیایی.

*در مقاله دیگری با عنوان "چشم‌انداز جغرافیایی و توسعه" به جنبه‌های کاربردی آن پرداخته می‌شود.

۱. مقدمه

جغرافیا با انسان آغاز می‌شود. بدون فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی در سطح زمین علم جغرافیا نیز وجود نخواهد داشت. در هم تنیدگی پدیده‌های طبیعی و انسان ساخت که در سطح زمین پدیدار می‌شوند هسته و علت وجودی علم جغرافیا را سبب می‌گردند. بدینسان که در مکان و فضا، پدیده‌های طبیعی و انسانی که با زمان تغییر می‌یابند به نمودهای جغرافیایی امکان می‌دهند، از این رو در سطح زمین به مکان‌های مختلفی برخورد می‌کنیم که در هم تنیدگی پدیده‌های طبیعی و انسانی ویژه مکان را به نمایش می‌گذارد (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۵).

به همین دلیل است که مفهوم علم جغرافیا بر اساس تعریف رابطه انسان و محیط بنا نهاده شده و مکاتب، زیربخش‌ها و زیر مجموعه‌های فکری، فلسفی جغرافیا بر پایه این زیر بنا شکل گرفته‌اند. لذا مشاهده همه چشم‌اندازها نیز می‌تواند نگرشی جغرافیایی را در راستای شناخت روابط بنیادین انسان و محیط و تحلیل چگونگی بافت فرهنگی بر ساختار طبیعی را ارائه دهد.

شناخت چشم‌اندازهای جغرافیایی متنوع و متفاوت در سطح کره زمین و بررسی عوامل تأثیرگذار بر هر یک از چشم‌اندازهای جغرافیایی تحت تأثیر روابط متقابل انسان و محیط است و تلاش در جهت ایجاد چشم‌انداز جغرافیایی که از طریق ایجاد رابطه متقابل مطلوب بین انسان و محیط امکان‌پذیر باشد و در آن توسعه پایدار بدون تخریب و یا با حداقل تخریب محیط صورت می‌گیرد، ضرورتی انکارناپذیر است. جغرافی دانان در توسعه مناطق در نواحی جغرافیایی مختلف می‌بایست در جهت ایجاد چشم‌اندازهای جغرافیایی مطلوب به عنوان رسالت اصلی خود تلاش نمایند.

۲. ضرورت‌ها و اهداف

هر مکان دارای صفات مشخصه محیطی، انسانی و فرهنگی است که آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌سازد، به آن محل توان و فضای خاص می‌بخشد و آن را از فضای مجاورش جدا می‌کند (بهفروز، ۱۳۷۴، ۱۳). مشاهده هر مکان، مشاهده چشم‌اندازهایی با بافتی در هم تنیده از ویژگی‌های انسانی و طبیعی است که می‌تواند پاسخگو و تحلیلگر روابط انسان و محیط باشد. لذا در رابطه با تبیین و تحلیل این ویژگی‌ها و روابط، سؤالات زیر مطرح می‌گردند:

- اصلاً واژه چشم‌انداز چه مفهومی دارد؟

- روند شکل‌گیری این مفهوم در جغرافیا چه زمانی و از کجا آغاز گردیده و چه مصادیقی

دارد؟

- تعاریف چشم‌انداز چه عوامل و عناصری را مدنظر قرار داده و با توجه به دیدگاه‌های مختلف در طی زمان، چه روندی داشته است؟
- در رابطه با تحلیل اجزای متفاوت چشم‌انداز چه نگرش‌هایی مورد استفاده قرار گرفته و انواع نگرش‌ها تا چه حدودی در جهت تبیین کامل چشم‌انداز می‌باشند؟
- چگونه می‌توان در هم تنیدگی عناصر انسانی و طبیعی را در یک چشم‌انداز جغرافیایی تشخیص داد، آن را معنی نمود و در جهت بهینه‌سازی فضا به کار گرفت؟
- پرداختن به این مفهوم چه ضرورت‌هایی دارد و ارتباط آن با سایر گرایش‌های علم جغرافیا و نیز سایر علوم در چه مواردی نهفته است؟
- برای پاسخگویی به این مباحث توجه به ریشه‌شناسی، معنی و مفهوم، پیشینه تاریخی و بررسی مکاتب نشأت گرفته از آن لازم به نظر می‌رسد.

۳. پیشینه مفهوم و مطالعات چشم‌انداز

از قرن اول میلادی و از زمان رواج سبک‌های نقاشی یونان در نواحی مدیترانه‌ای مفهوم "چشم‌انداز"، وارد مباحث هنری شد. در قرن پانزدهم، "نقاشی چشم‌انداز"، ابتدا در نواحی متراکم شهری اروپا، در فلاندر و ایتالیای علیا ظاهر شد و در قرن هفدهم به مدارس آلمان و ایتالیا راه یافت و در مدت دو قرن در ادبیات و هنر انگلستان و فرانسه پایگاهی درخور یافت. از قرن نوزدهم به بعد مفهوم چشم‌انداز در هنر نقاشی پایگاهی ویژه پیدا کرد مانند آثار ریین، مونه، ون گوگ، هانری روسو و پل سزان. تاریخ نگاران مفهوم چشم‌انداز را به بخشی از زمین می‌گویند که در آن جنگ‌هایی صورت گرفته باشد، مواد غذایی به عمل بیاید، مستعمراتی تشکیل شود و معماران ساختمان‌های یادبود بنا کنند (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۷۱-۱۷۰).

به کارگیری مفهوم "چشم‌انداز" برای اولین بار در سال ۱۶۰۳ از یک کتاب مرجع شروع می‌شود یعنی عنوان چشم‌انداز در حدود دو قرن قبل از طرح موضوع به وسیله جغرافی دانان آلمانی به کار می‌رفته است. اگر چه در میان جغرافی دانان الکساندر فن همبلت^۱ اولین جغرافی دانی است که از مفهوم جغرافیایی "چشم‌انداز" استفاده می‌کند ولی تعریف "جغرافیا به عنوان مطالعه علمی چشم‌اندازها" ابتدا به وسیله کارل ساور^۲ جغرافیدان آمریکایی مطرح می‌شود (شکوئی، ۱۳۶۶، ۳۸). در جغرافیا کلمه چشم‌انداز ابتدا به وسیله کارل ریتر جغرافی دان آلمانی وارد ادبیات جغرافیایی شد و بعدها این مفهوم را با طیف گسترده‌ای، جغرافی دانانی نظیر

1- Baron Von Humboldt

2-Carl Sauer

رایشتهوفن و ویدال دولابلاش به کار گرفتند. (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۷۲).

در سال ۱۹۲۵ کارل ساور همراه با انتشار مقاله ای تحت عنوان "مورفولوژی چشم‌انداز" این مفهوم را وارد تفکرات جغرافیایی امریکا نمود. (Johnston, 1994, 316).

وی بنیانگذار مکتب جغرافیای فرهنگی برکلی بوده و در این زمینه از اتواشلوتر آلمانی متأثر بوده است (فنی، ۱۳۸۱، ۱۹۶). چرا که مفهوم مورفولوژی چشم‌انداز فرهنگی که بعدها به وسیله ژان برون وارد ادبیات جغرافیایی فرانسه و از طریق کارل ساور به دانش جغرافیا در آمریکا راه یافت همه از تفکرات جغرافیایی اشلوتر منشأ می‌گرفت.

از پیشگامان و محققین مکتب جغرافیا به منزله مورفولوژی چشم‌انداز از گذشته تا حال می‌توان به جغرافی‌دانانی نظیر، فن همبلت، ویدال دولابلاش، کارل ساور، ریچارد هارتشون، رابرت دیکنسون، ماروین ویکسل، دنیس کاسگرو، اتواشلوتر و در سال‌های اخیر، جی اپلتون، ادوارد دلف و ال اس برگ اشاره کرد (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۷۶-۱۷۴).

گروه‌های مختلف تحقیقاتی نیز در دنیا در این زمینه مطالعاتی انجام داده‌اند. در اروپا آکادمی چشم‌اندازهای فرهنگی اروپا (Petrarca) به بیان و توصیف چشم‌اندازهای فرهنگی در قاره اروپا پرداخته و به تعریف محیط طبیعی، انسانی، زیباشناسی، قومیت و عملکردهای آن بر انواع چشم‌اندازهای حاکم بر اروپا می‌پردازد و خدماتی در این زمینه از نظر علمی و فرهنگی به علاقه‌مندان ارائه می‌دهد. (Petrarca, 2002, 3).

چارلز ای. برنباوم در پارک ملی ایالات متحده به پروژه چشم‌اندازهای فرهنگی، بیان اهداف، برنامه‌ریزی‌ها، مدیریت چشم‌اندازهای فرهنگی و ... در ایالات متحده می‌پردازد (Birnboum, 1999).

اما در ایران مطالعات چشم‌انداز به صورت مکتبی فکری و یا رشته‌ای تخصصی و آکادمیک در دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار نگرفته و فقط بررسی‌های مختصری در حد ترجمه، تعاریف و تبیین مفاهیم، عوامل یا عناصر چشم‌انداز توسط محققانی هم‌چون تولایی (مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ۱۳۷۵)، شکوئی (اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول ۱۳۷۵ و جلد دوم ۱۳۸۳) قرخلو (جغرافیای فرهنگی ۱۳۸۳) و ... دیده می‌شود.

۴. مفاهیم چشم‌انداز

واژه چشم‌انداز در کشورهای مختلف معادل‌های متفاوتی دارد ریشه این کلمه از واژه آلمانی

Landschaft به مفهوم چشم‌انداز گرفته شده است.

استعمال کلمه چشم‌انداز به عنوان یک اصطلاح تکنیکی حایز اهمیت اساسی در اندیشه جغرافیایی و نیز در مطالعات کنونی نواحی، ریشه نسبتاً جدیدی در کشورهای امریکا و انگلستان دارد ولی به صورت آلمانی آن طی تاریخ جغرافیای مدرن حایز اهمیت بوده است (فشارکی، ۱۳۶۶، ۱۲). مفهوم این واژه در فرانسه Paysage و در انگلیسی Landscape می‌باشد (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۷۰).

کلمه آلمانی Landschaft در زبان روزمره طی زمان مدیدی دو معنی داشته است یکی "ظاهر یک قطعه زمین همچنان که ما آن را دریافت می‌کنیم" و دیگری "یک قطعه زمین محدود" که هر دو در اوایل قرن نوزدهم وارد جغرافیای آلمانی شد جغرافی دانانی مانند هومیر^۱، همبلت^۲، اوپل^۳، ویمر^۴، بانزه^۵، هتنر^۶، گرادمان^۷، زیگر^۸ و ویبل^۹ معانی مختلفی به اصطلاح چشم‌انداز و اجزای آن داده‌اند ولی ویبل معانی مختلف چشم‌انداز را طبقه‌بندی نمود (فشارکی، ۱۳۶۶، ۱۲).

ویبل معنی عمومی چشم‌انداز را به این صورت تعریف می‌کند: "آن قسمت از سطح زمین و آسمان بالای سر که در میدان دید ما قرار دارد به نحوی که از یک نقطه مخصوص از دور دیده می‌شود" (همان منبع، ۱۲، ۱۳۶۶).

بروک^{۱۰} نتیجه می‌گیرد که ما در زمان کنونی در جغرافیا دو معنی متمایز برای کلمه "چشم‌انداز" داریم یک معنی از اشاره ضمنی عمومی کلمه مشتق می‌شود: "چشم‌انداز مرکب است از جنبه‌های قابل مشاهده هر قسمت از سطح زمین به طور قراردادی، اما به معنایی وسیع‌تر از آنچه استعمال عمومی کلمه می‌رساند." معنی دیگر آن چنین است: "ناحیه‌ای که در مورفولوژی آن تجانس معینی به چشم می‌خورد" (همان منبع، ۱۳۶۶، ۱۴).

در قرون وسطی در انگلستان این واژه به سرزمینی گفته می‌شد که تحت سیطره یک لرد انگلیسی قرار داشته یا به عنوان سکونتگاه گروهی از مردم بوده است. در قرن ۱۷ تحت تأثیر نقاشان منظره^{۱۱} در آلمان این مفهوم به ناحیه‌ای اشاره داشته که بیانگر دورنما یا منظر بوده است (Johnston، ۱۹۹۴، ۳۱۶).

نقاشان از آن به عنوان کلمه‌ای برای یک ژانر یا سبک خاصی از نقاشی استفاده می‌کردند. این کلمه به تدریج در سایر فنون هنری نیز مورد استفاده قرار گرفت چنانچه به یک

1- Hommeyer
5- Banse
9- Waibel

2- Humboldt
6- Hettner
10- Broek

3- oppel
7- Gradmann
11- Land schap painters

4- Wimmer
8- Sieger

سخن، چشم‌انداز از نظر عکاسی ناحیه ای محصور شده در یک افق می‌باشد (Vanvelse, 2003) به تدریج این کلمه در سایر علوم نیز مورد بررسی قرار گرفت. چشم‌انداز، به مفهوم فضایی است از اشکال طبیعی و فرهنگی که آثار انسانی را در محیط خود و در طول زمان نشان می‌دهد (شکوئی، ۱۳۶۷، ۵۸).

۵. تعاریف چشم‌انداز

مفهوم چشم‌انداز در جغرافیا از دیدگاه‌های مختلف، تعاریف متفاوتی یافته است تا بتواند در بهینه‌سازی تعریف و تبیین روابط انسان و محیط مؤثرتر عمل نماید.

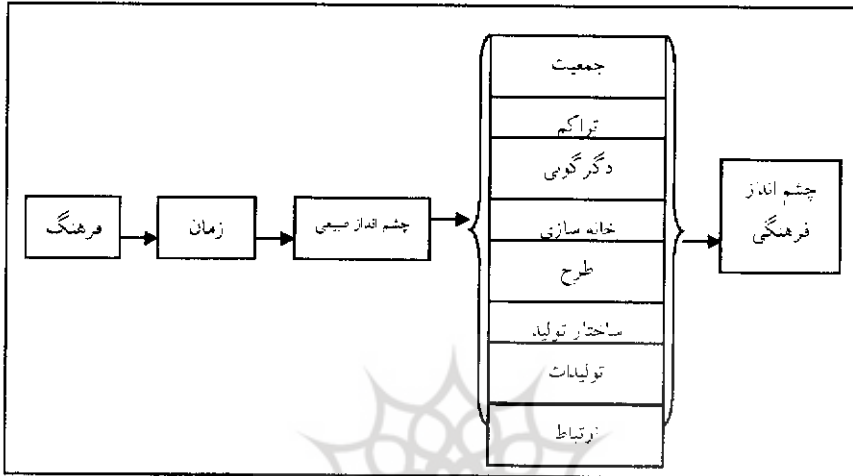
اساساً مفهوم چشم‌انداز با این دیدگاه وارد ادبیات جغرافیایی شد که نقش انسان را در شکل‌دهی به محیط طبیعی نشان دهد و تغییرات چشم‌انداز طبیعی را بر چشم‌انداز فرهنگی به نمایش گذارد. از این رو در مورفولوژی چشم‌انداز واقعیت‌های عینی قابل مشاهده در زمینه چهره سکونتگاه‌ها، واحدهای مسکونی پوشش گیاهی، تأثیرات آب و هوایی و... تأکید بیشتری را می‌طلبد. تفکری که بعدها اساس کار مکتب جغرافیای فرهنگی "برکلی" را تشکیل داد. کارل ساور با طرح مورفولوژی چشم‌انداز، انسان را آخرین عامل شکل‌یابی چشم‌اندازها محسوب کرد. زیرا بستر طبیعی را از چشم‌اندازهای جغرافیایی حذف نمی‌کرد و این پارادایم یک بخش جوهری در فلسفه امکان‌گرایی بود (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۸۰ - ۱۷۷).

در این راستا وی مدلی را از چشم‌انداز فرهنگی ارائه داد: چشم‌انداز فرهنگی توسط یک گروه فرهنگی بر چشم‌انداز طبیعی بنا نهاده شده است. فرهنگ عامل است، ناحیه طبیعی واسطه و چشم‌انداز فرهنگی نتیجه آن می‌باشد. تحت تأثیر یک دستاورد فرهنگی چشم‌انداز از طریق زمان تغییر می‌یابد، چشم‌انداز توسعه را از طریق گذراندن دوره‌هایی تجربه می‌کند و چرخه توسعه خویش را به پایان می‌رساند (شکل ۲ و ۱) (Johnston, ۱۹۹۸, ۱۱۴).

ساور در این میان برای مطالعه کیفیت تسلط گروه‌های فرهنگی بر بستر طبیعی و شرایط آن به یک چهارچوب تاریخی و توجه به زمان تأکید می‌نمود.

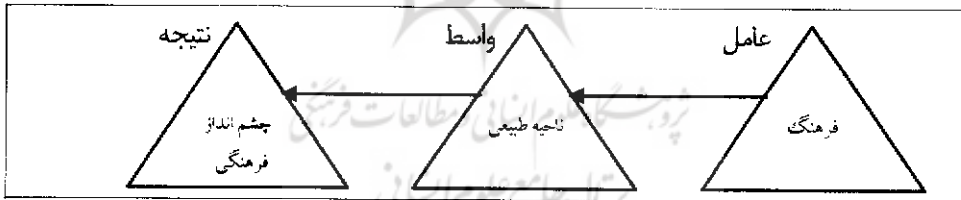
کاسگرو و دانیل معتقدند که یک چشم‌انداز، تصویری فرهنگی و روشی تصویری برای تعریف و سازمان بخشیدن یا نمادینه کردن محیط پیرامون می‌باشند. آن‌ها می‌توانند توسط عناصر یا سطح متفاوتی قابل بیان باشند مانند نقاشی روی بوم، نوشته‌ای روی کاغذ، در زمین، سنگ، آب و گیاهان روی زمین (Armstrong, 1999, 8).

شکل ۱. چشم‌انداز طبیعی و چشم‌انداز فرهنگی (از کارل ساور، ۱۹۲۵)



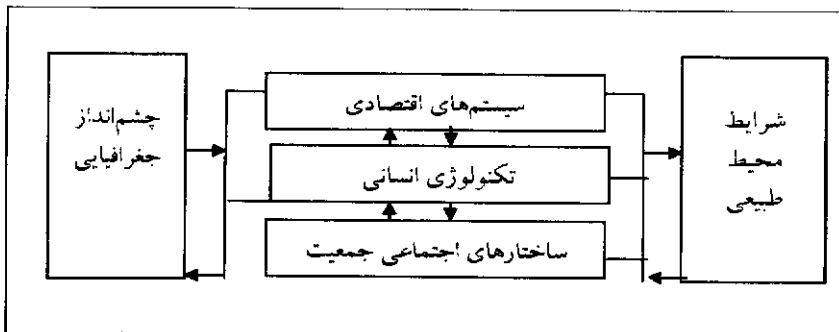
مأخذ: (Johnston، ۱۹۹۸)

شکل ۲. مدلی از چشم‌انداز فرهنگی



مأخذ: اقتباس از مدل چشم‌انداز فرهنگی ساور (۱۹۸۸ و Johnston)

شکل ۳. چشم‌انداز جغرافیایی



مأخذ: اقتباس از تعریف چشم‌انداز جغرافیایی شکوئی (شکوئی، ۱۳۶۶، ۳۹).

پیتر هاگت نیز عقیده دارد جغرافیا نسبت به تأکید مشهود واقعیات ذهنی، اجتماعی و فنی (فرهنگ) در سطح زمین توجه و علاقه خاصی نشان می‌دهد. مثلاً در نواحی روستایی به الگوی مزارع، اراضی، راه‌ها و... توجه ویژه شده و گروه‌های فرهنگی مختلف برای استقرار در زمین و تثبیت مرزها، شیوه‌های مختلفی به کار گرفته‌اند به طوری که تناقضات بارز در چشم‌انداز فرهنگی کاملاً مشهود است (هاگت، ۱۳۷۵، ۲۱).

حسین شکویی با در نظر گرفتن مفهوم کلی نگری جغرافیایی و مفهوم اصلی جغرافیا (روابط انسان و محیط)، چشم‌انداز جغرافیایی را چنین تعریف می‌کند: هر چشم‌انداز جغرافیایی بازتابی از روابط متقابل میان شرایط محیط طبیعی، سیستم‌های اقتصادی، تکنولوژی انسانی و ساختارهای اجتماعی جمعیت می‌باشد. (شکویی، ۱۳۶۶، ۳۹).

۶. روش‌های نگرش بر چشم‌اندازها

در جغرافیای چشم‌انداز این موارد مطرح می‌شود: چه چیزی می‌تواند قابل مشاهده باشد؟ روی چه پدیده‌هایی تأکید بیشتری انجام گیرد؟ چه چیزهایی در چشم‌اندازها تغییر می‌یابد و چه چیزهایی در آن‌ها به آرامی دگرگون می‌گردد؟

برای توجه به این موارد سه مفهوم در تحلیل‌های چشم‌انداز وابسته به هم عمل می‌کنند: ۱- مشاهده کردن ۲- اندیشیدن ۳- تشریح کردن (شکویی، ۱۳۷۵، ۱۸۵). در برخورد با مفهوم چشم‌انداز غالباً از دو روش استفاده می‌شود:

۱- مورفولوژی تکوینی: مورفولوژی تکوینی در جغرافیای طبیعی، فرهنگی و تاریخی که همگی جامعیت چشم‌انداز را شکل می‌دهند به کار گرفته می‌شود. در این روش فرایند تغییر و تکامل در جامعیت چشم‌انداز مورد تأکید است.

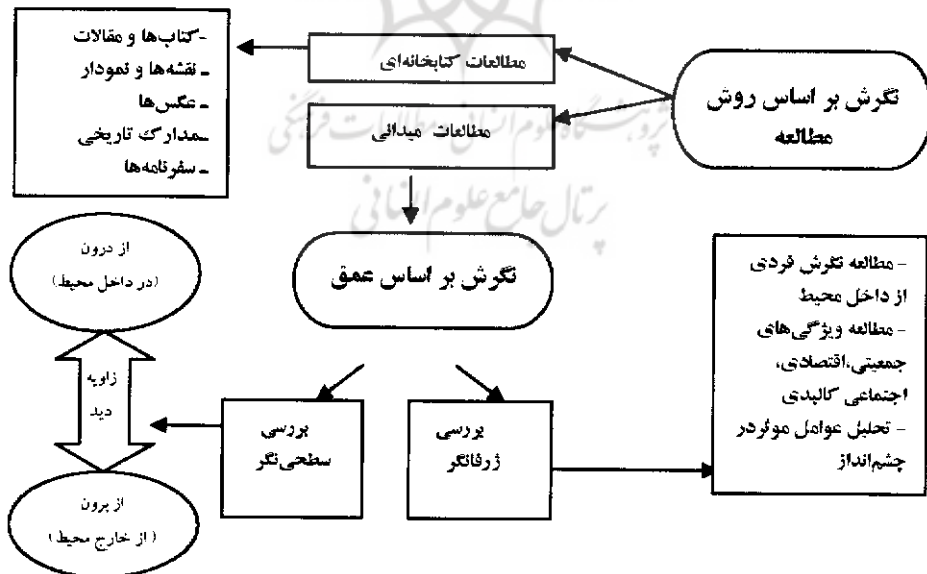
۲- روش تسلط و بازبینی شخصی: در این روش، نقاش، عکاس و شاعر دنیای بیرون را ترسیم می‌کند و سعی می‌نماید که زیباترین پدیده‌های طبیعت و محیط مطرح شود. روشن است که در این روش، روانشناسی فردی، عامل عمده به شمار می‌آید. البته این روش را گاهی جغرافی دانان نیز به کار می‌برند که نقش زیبایی در آثار الکساندر فن همبلت از آن جمله است.

امروزه اغلب جغرافی دانان، در تحلیل چشم‌اندازها، فقط روی آثار طبیعی و انسان ساخت (روستا، شهر، مزارع و...) بسنده نمی‌کنند بلکه در زمینه نظام ارزشی و شیوه زندگی جامعه نیز مطالعات عمیقی انجام می‌دهند. برخی جغرافی دانان روی چشم‌اندازهای ویژه مانند، نواحی

کوهستانی تأکید می‌کنند عده‌ای به مطالعه تطبیقی تضادها و تشابهات که حاصل شیوه نگرش فرهنگی متفاوت می‌باشد تمایل بیشتری نشان می‌دهند و برخی نیز به شیوه نگرش چشم‌انداز در هنر و ادبیات علاقه‌مندند. به طور کلی دیدگاه کل‌نگری اساس مطالعه چشم‌انداز را تشکیل می‌دهد (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۸۴-۱۸۳).

از سویی بر اساس جمع‌بندی از تعاریف و تبیین چشم‌اندازها می‌توان دو روش را در این نگرش‌ها تشخیص داد که از دیدگاه فرد مشاهده‌کننده به دیدگاه سطحی‌نگر و ژرف‌نگر به چشم‌انداز تقسیم می‌شود. نگرش سطحی‌نگر کلیتی ساده از چشم‌اندازها را مد نظر قرار داده و می‌تواند دیدگاه غیر جغرافیایی نیز باشد مانند توریست‌ها، هنرمندان و ... اما نگرش ژرف‌نگر علاوه بر استفاده از دید سطحی‌نگر به روند شکل‌گیری و بررسی زیرساختی اطلاعاتی مناسب با استفاده از نوشته‌ها، اسناد و مدارک، عکس‌ها، نقشه‌ها و نمودارها و حتی کتب ادبی و هنری یک

شکل ۴. روند نگرش در چشم‌انداز فرهنگی



منطقه یا ناحیه به جستجوی عوامل مؤثر در شکل گیری عناصر موجود پرداخته و این بررسی را با مشاهدات میدانی، مصاحبه و پرسش نامه تکامل می بخشد (مولائی هاشجین و رودباری، ۱۳۸۴، ۴۵).

ترکیب دیدگاه های سطحی نگر و ژرفانگر در مطالعه چشم اندازهای جغرافیایی به شناخت دقیق چشم اندازها و عوامل و عناصر هر یک در نواحی مختلف جغرافیایی کمک می نماید و از طریق این شناخت ضمن تبیین موضوع به ارائه چشم انداز جغرافیایی مطلوب (روابط محیط و انسان با تمام ویژگی ها و خصیصه های قابل طرح و بررسی) در راستای توسعه پایدار منجر می شود (شکل ۴). این شناخت در صورتی در توسعه پایدار نقش خواهد داشت که بتواند با توصیف کامل و عمیق یک فضا و ارائه توانایی ها، کاستی ها و نیازها در راستای تحقق اهداف توسعه به جذب برنامه های متناسب با نیازها و حل مشکلات بپردازد.

۷. انواع چشم انداز

با توجه به تعاریف چشم انداز این سؤال مطرح است که آیا چشم انداز جغرافیایی می تواند به زیر مجموعه ها و زیر بخش هایی تقسیم شود یا از ابعاد مختلفی در نظر گرفته شود تا بتواند در برگیرنده نگرش جامع بر فضاهای جغرافیایی باشد و در راستای جغرافیای کاربردی مطرح گردد؟ آیا در چشم اندازها، عناصر انسانی و طبیعی در وجوه مختلف از ابتدا با یکدیگر و در هم تنیده در نظر گرفته شوند یا آن ها را تفکیک نموده و در تحلیل روابط با هم ادغام نمود؟ استفاده از تعاریف مختلفی که از چشم انداز مطرح گردیده است می تواند به روشن تر شدن مرز انواع چشم اندازها بیانجامد:

۷-۱. چشم انداز طبیعی^۱:

خصوصیات طبیعی به جنبه های طبیعی مربوط به یک محل، از جمله اقلیم، خاک، منابع و ذخایر معدنی و سیماهای سرزمین و نظایر آن توجه دارند. این خصوصیات مربوط به چشم انداز طبیعی محل یا قرارگاهی را فراهم می کند که در داخل آن، عملکردهای انسانی اتفاق می افتند. این چشم اندازهای طبیعی در شکل یابی زندگی انسانی کمک می کنند و جنبه آمرانه ندارند. به عنوان مثال منابع طبیعی مختلف در هر ناحیه جغرافیایی ممکن است در حد کم یا زیادی وجود داشته باشند که تحت مدیریت و شیوه های بهره برداری توسط جوامع با فرهنگ های متفاوت قرار می گیرند. بنابراین تأثیرگذاری عوامل فرهنگی و انسانی روی چشم اندازهای طبیعی

غیر قابل انکار می‌باشد (بهفروز، ۱۳۷۴، ۱۴-۱۳).

ساور نیز عقیده دارد که مورفولوژی طبیعی از عوامل سازنده فرم‌ها، زمان و پیوند عوامل علی به وجود می‌آید. در واقع مورفولوژی طبیعی به منزله بستر مورفولوژی جغرافیایی به شمار می‌آید که در شکل دهی نقش دارد (شکوئی، ۱۳۷۵، ۱۷۹). بنابراین چشم‌انداز طبیعی مجموعه‌ای از عناصر طبیعی محسوب می‌شوند که برحسب میزان دخالت انسان و تأثیرگذاری بر آن‌ها در نواحی مختلف به صورت متنوع ملاحظه می‌شود و این چشم‌انداز در معرض تحول و دگرگونی از طریق دخالت انسان و ارتباط با آن قرار دارد و هر چه دخالت انسان در این چشم‌انداز کمتر باشد دوام آن بیشتر و در غیر این صورت چشم‌انداز طبیعی از بین خواهند رفت.

۷-۲. چشم‌انداز فرهنگی^۲

چشم‌انداز فرهنگی، اغلب محصول اعمال انسان‌ها در طی قرون متمادی است و بیانگر این نکته است که آنچه در حال حاضر از چشم‌انداز رؤیت می‌شود حکایت از نیروها و شرایط علی دارد که اکنون وجود ندارند و ابزار ارزشمندی جهت بررسی توالی سکونت گروه‌های گوناگون در یک سکونتگاه تلقی می‌شوند. تمامی قسمت‌های چشم‌انداز فرهنگی بیانگر نحوه کنش متقابل فرهنگ با محیط طبیعی آن‌ها در گذشته است (جردن، ۱۳۸۰، ۴۳-۴۲).

در جغرافیا، چشم‌انداز فرهنگی به همراه فعالیت‌های انسانی گفته می‌شود که انسان به وسیله آن چهره زمین و محیط را در جهت ادامه حیات تغییر می‌دهد. اگر چه ساور، عقیده دارد که فرهنگ در این جا فقط به منظور عقاید نیست؛ بلکه در چشم‌اندازها بیشتر روی آثار انسانی، فرم‌های شهری و روستایی، تراکم، فرم‌های تولید، نوع کاربری زمین، مزارع، معادن و... تأکید می‌کنیم. در این جا فرهنگ عامل تغییر تلقی می‌شود (شکوئی ۱۳۷۵، ۱۷۹).

در جغرافیای فرهنگی به‌ویژه در مکتب برکلی به صورت آشکار به رابطه بین فرهنگ‌های ایستای محلی با محیط فیزیکی پیرامون آن‌ها اختصاص یافته است (Johnston، ۱۹۹۸، ۷۷۶). چشم‌اندازها در طول زمان تغییر پذیر و قابل توصیف‌اند. برخی از ابعاد چشم‌انداز ممکن است بخش مسلمی از زندگی روزمره به حساب آید یا از لحاظ سیاسی مورد بحث قرار گیرد (قرخلو، ۱۳۸۳، ۵۹-۴۲).

اما امروزه در جغرافیای فرهنگی نو چشم‌انداز از زوایای مختلف دیگری نیز مورد بررسی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

چشم‌انداز به منزله تداوم قدرت مسلط و کارکرد اجتماعی قدرت، شکلی از یک نظم اجتماعی، بررسی ایدئولوژی حاکم، باز - تولید کار و سرمایه در مکان، بازنمایی مکان در گذشته،

تحلیل فرهنگی، افتراق جنسیت، یک متن - هرمنوتیکی (که چشم اندازها را عامل قدرت و ایدئولوژی سیاسی - اجتماعی و اقتصادی شکل می دهند) در این نظریه ها، در مطالعه چشم اندازها هندسه قدرت را بیش از هر عامل دیگری مؤثر می دانند (شکویی، ۱۳۸۲، ۲۱۰ - ۲۰۹).

۸. نتیجه گیری

- با توجه به هدف اصلی علم جغرافیا در تبیین و تحلیل رابطه متقابل با محیط، از دیدگاه های مختلف و بر اساس مکاتب فکری می توان به طرح مفاهیمی پرداخت تا بتواند جغرافیدان را در تحقق بهینه این هدف یاری نماید. لذا استفاده از نگرش هایی مانند چشم انداز می تواند در دستیابی به این مهم نقش مؤثری داشته باشد. مسلماً استفاده از چنین دیدگاه هایی در بیان و تحلیل فضاهای جغرافیایی، نیز در جهت رسیدن به جغرافیای کاربردی که خود در راستای توسعه و خدمت به جوامع انسانی گام بر می دارد نیازمند شناخت مفاهیم، پیشینه فرهنگی، تاریخی، علمی و بیان نگرش ها و تعاریف می باشد.
- از آنجایی که فضای حاصل از کنش متقابل نیروهای گوناگون طبیعی، انسانی در یک بافت معین چشم انداز جغرافیایی نامیده می شود (سعیدی، ۱۳۷۸، ۹)؛ مطالعه صحیح چشم انداز می تواند نکات زیادی را به مشاهده کننده بیاموزد، این نکات مشتمل بر جنبه های گوناگون و غیر قابل رؤیت فرهنگ گذشته های فراموش شده، انتخاب های انجام شده و تغییراتی است که توسط انسان در محیط ایجاد شده است. چشم انداز در بر گیرنده شواهد ارزشمندی در مورد منشأ، بسط و توسعه فرهنگ ها نیز می باشد. (تولایی، ۱۳۸۰، ۳۹).
- با توجه به مباحث طرح شده می توان دریافت که با وجود نقدهایی که بر مکتب چشم انداز شده و آن را از جنبه عدم توفیق در تحلیل کامل عوامل مؤثر در تکوین چشم اندازها و تحلیل گذار چشم انداز طبیعی به چشم انداز فرهنگی، ضعیف تلقی نموده اند به نظر می رسد با تکامل بخشیدن به تحلیل نگرش و توجه به عوامل مؤثر در چشم اندازها و تبیین عناصر موجود و قابل رؤیت در آن و نیز زیرساخت های مؤثر در ساخت این عناصر (فرم ها و فرآیندها) می توان فضاهای جغرافیایی را در راستای بهینه سازی و توسعه پایدار جوامع مورد مطالعه، شناخت و تبیین، قرار داد و یک چشم انداز جغرافیایی مطلوب را ترسیم کرد.
- با لحاظ مفهوم، تعریف و تقسیمات چشم انداز و با در نظر گرفتن دیدگاه های مختلف جغرافیایی

در تحلیل موضوعات متنوع و گوناگون در سطح کره زمین از یک طرف و رسالت و وظیفه جغرافیا و جغرافی‌دانان در تأمین رفاه و بهروزی انسان‌ها از سوی دیگر، سرزمین‌آرایی با توجه به توان‌های محیطی هر منطقه و ناحیه جغرافیایی و نیز توان‌های انسانی (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی) در قالب خلق چشم‌اندازهای جغرافیایی مطلوب و بهینه از طریق ایجاد ارتباط منطقی بین عوامل طبیعی و انسانی و تلاش برای بهبود این چشم‌اندازها در طول زمان و متناسب با تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مقیاس جهانی، ملی و ناحیه‌ای و حتی محلی امری مهم و ضروری می‌نماید.

- چشم‌اندازها مجموعه‌ای از اشکال و عوارض زمین را در طول زمان نشان می‌دهند (کرنگ، ۱۳۸۲، ۲۵۱) به نظر می‌رسد که تغییر و تحول در نوع نگرش به پدیده‌های جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی در راستای دستیابی به توسعه همه‌جانبه و پایدار در قالب چشم‌انداز جغرافیایی کمک شایانی به تعادل جهانی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و حتی محلی و انجام رسالت درست جغرافی‌دانان خواهد نمود.

- چشم‌انداز جغرافیایی مطلوب یعنی پیامد برنامه‌ریزی توسعه پایدار که در آن قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی هر سرزمین در کنار محدودیت‌ها و تنگناها و مسایل اساسی دیده می‌شود و بر این اساس اهداف بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت همراه راهبردها، سیاست‌های اجرایی و راهکارها و در نهایت اقدامات اولویت‌دار در طول زمان برای رسیدن به چشم‌انداز جغرافیایی مطلوب مشخص می‌شوند.

۹. سپاسگزاری:

بدین وسیله از سرکار خانم سیده مرضیه رودباری کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی که در تهیه برخی منابع و تدوین مقاله حاضر کمک فراوان نمودند تشکر و قدردانی می‌نمایم.

۱۰. منابع:

- ۱- بهفروز، فاطمه - ۱۳۷۴، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۲- جردن، تری، ج و لستروانتری، ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، نشر پژوهشگاه هنر و ارتباطات.
- ۳- رودباری، سیده مرضیه - ۱۳۸۳، مطالعه تطبیقی چشم‌اندازهای فرهنگی در روستاهای کوهستانی و

- جلگه‌ای، استاد راهنما: دکتر نصرالله مولائی هاشجین، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، گروه جغرافیا.
- ۴ - سعیدی، عباس - ۱۳۷۷، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- ۵ - شکوئی، حسین - ۱۳۶۶، نقد و بررسی کتاب و مقاله، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۱، نشریه گروه جغرافیا دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش.
- ۶ - شکوئی، حسین - ۱۳۶۷، نقد و بررسی کتاب و مقاله، مجله رشد آموزش جغرافیا شماره ۱۳، نشریه گروه جغرافیا دفتر فنی تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش.
- ۷ - شکوئی، حسین - ۱۳۷۵، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- ۸ - شکوئی، حسین - ۱۳۸۲، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد دوم)، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- ۹ - فرید، یدالله - سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز.
- ۱۰ - فشارکی، پریدخت - ۱۳۶۶، تعاریف و مفاهیم چشم‌انداز جغرافیایی (ترجمه و تنظیم)، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۹، نشریه گروه جغرافیا دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۱ - فنی، زهره - ۱۳۸۱، مقدمه ای بر تاریخ علم جغرافیا، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۱۲ - کرونک، مایک - ۱۳۸۳، جغرافیای فرهنگی، ترجمه مهدی قرخلو، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۳ - مولائی هاشجین، نصرالله و رودباری، سیده مرضیه - ۱۳۸۴، بررسی تطبیقی چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای جلگه‌ای و کوهستانی (مطالعه موردی: شهرستان رودسر)، فصل‌نامه علمی، پژوهشی سرزمین، سال دوم، شماره ۷، گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۱۴ - هاگت، پیتر - ۱۳۷۵، جغرافیا ترکیبی نو (جلد دوم)، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، انتشارات سمت، تهران.
- 15- (WWW) Armstrong, Helen-2001-Embracing Cultural diversity Australia.
- 16- (WWW) Birnbaum, Charles-1999-Protecting Cultrural Landscape.
- 17- Johnston, Ronald "Derek Gregory" David M.Smith-1988 - The Dictionaey of Human Geography- Blackwell - UK.
- 18- (WWW) Petrarca European Academy for The Cultrural Landscape -2002.
- 19- (WWW) Van Velzen, wim -2003 -Wim Van Velzen Photography.